
بہائیت
اسرائیل
وحکومت پہلوی


بسم الله الرحمن الرحیم

بهائیت، اسرائیل و حکومت پهلوی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بهائیت، اسرائیل و حکومت پهلوی

مشخصات کتاب

بر گرفته از:

سایت بهائی پژوهی

بهائیت، اسرائیل و حکومت پهلوی

بهائی‌ها با تأسیس اسرائیل، این سرزمین را پایگاه و مرکز اصلی فعالیت خود قرار دادند رژیم صهیونیستی نیز مسلك بهائیت را به عنوان یکی از «مذاهب قانونی!» به رسمیت شناخت. شاه نیز از آنان حمایت کرد و وجود هویدای بهائی و نفوذ بهائی‌ها در دربار و هیأت حاکمه ی ایران، قدرت اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای برای آنان ایجاد کرد. فتنه باب با کشته شدن وی پایان نپذیرفت بلکه با سوء قصدی که چند تن از پیروان وی به جان ناصرالدین شاه کردند، دشمنی حکومت قاجار را نسبت به خود بیشتر گردانیدند، خصوصاً آنکه بابیها به دامان امپراطوری روس پناه بردند و روسها سعی داشتند از این مسأله حداکثر استفاده را بنمایند؛ پس از مدتی نیز بابیها به انگلیس متمایل شده و آلت دست آنها شدند و سپس آمریکا فضای جدیدی پیش روی آنها قرار داد و مراکز بهایی در آمریکا فزونی یافت و با تشکیل رژیم صهیونیستی روابط بهایی‌ها و صهیونیست‌ها صمیمیت خاصی را نشان می‌داد. وقتی حکومت قاجار بابیان را از ایران خارج کرد، آنها به قلمرو عثمانی رفته و مدت کمی در استانبول بودند. این در حالی بود که اختلافات به وجود آمده بر سر جانشینی باب نیز مشکلات جدی بر سر راه ادامه حیات این فرقه ضاله بوجود آورده بود. میرزا یحیی و بهاء رهبران اصلی این فرقه بودند. در نتیجه دولت عثمانی تصمیم گرفت هر یك از این دو و پیروانشان را به جای دوری بفرستد. میرزا یحیی با پیروانش به جزیره ی قبرس و بهاء را به همراه پیروانش به عکا روانه کردند. از همین جا بود که این دو از یکدیگر جدا شدند. پیروان میرزا یحیی «ازلی» نام گرفتند و پیروان بهاء نیز «بهایی» معروف شدند. [۱] . میرزا یحیی که به قبرس رفت به یکباره گمنام و خاموش شد و پیروانش نیز به تدریج کیش خود را فراموش کردند. اما بهاء در عکا از پای ننشست و به شیوه‌ی سید باب، مهملاتی نوشت که کتاب مقدس بهائیان را تشکیل داد. وی بیست و چند سال در عکا زیست و در ۱۳۱۲ ق درگذشت. پس از مرگ وی پسرش میرزا عباس یا عباس افندی [۲] که به نام عبدالبهاء شناخته شده جای وی را گرفت. وی نیز کتابهایی نوشت که نشانه‌ی ذهن فلج و کم مایگی اوست و مایه‌ی بی‌آبرویی پیروانش. [۳] عبدالبهاء نیز در سال ۱۳۴۰ ق مرد و شوقی افندی، نوه‌ی دختری وی، جایش را گرفت. در دوران رهبری شوقی افندی که مصادف با تشکیل حکومت اسرائیل بود، برای اولین بار نام «ارض اقدس» و «مشرق‌الاذکار» اصلی را از زبان او می‌شنویم. پس از تشکیل حکومت اسرائیل چهارمین پیشوای بهائیت درصدد برآمد تا با استفاده از اختلاف دیرین مسلمانان و یهودیان، سرزمین اسرائیل را به عنوان مرکز اصلی و کعبه ی آمال بهائیان بپذیرد و دولت یهود را به صورت پناهگاه بلکه تکیه گاه جهانی این فرقه درآورد. طبعاً یکی از مظاهر دشمنی دیرین یهودیان نسبت به مسلمانان این بود که هر نیروی ضد اسلامی را مورد حمایت قرار می‌دادند، مخصوصاً که سرزمین اسرائیل یکی از اولین و مؤثرترین حکومتهایی بود که همراه با به رسمیت شناختن مذاهب و ادیان مختلف، مسلك بهایی را نیز به رسمیت شناخت و جزء مذاهب رسمی مملکت قرار داد. ضمناً بی‌هیچ تردیدی جلب سرمایه داران بزرگ، که بهائیان و مخصوصاً رهبران این فرقه، در رأس آنها قرار داشتند و طبعاً سرمایه‌های خود را در این سرزمین نوبنیاد به کار می‌انداختند، به سود حکومت جدید التأسیس اسرائیل بود و چنین بود که این دولت جدید به بهائیان روی خوش نشان داد و آنان را به سوی خود و سرمایه گذاری در سرزمین خود جلب کرد، اگر این مجموعه عوامل را بـه تدفین رهبران بهایی در این سرزمین بیفزائیم، که خود مرکز مقدسی برای بهائیان می‌شود و هر سال بهائیان را با

سرمایه‌های کلان و مخارج گزاف به سوی این سرزمین سرازیر می‌کند، به انگیزه ی تفاهم فوق‌العاده بهائیان و اسرائیلیان بیشتر و بهتر واقف می‌شویم. [۴] . تشکیل دولت اسرائیل نه تنها مورد تأیید کامل بهائیان واقع شد، بلکه چهارمین پیشوای بهایی از تأسیس حکومت مذکور استقبال کرد. وی در تلگراف مورخ ۹ ژانویه ۱۹۵۱ خود می‌نویسد: «تحقیق به سنواتی که درباره ی تأسیس حکومت اسرائیل از فم مطهر شارع امرالهی و مرکز میثاق صادر و حاکی از پیدایش ملت مستقلی در ارض اقدس پس از مضی دو هزار سال می‌باشد...» [۵] . شوقی ربانی پس از اینکه تأسیس دولت اسرائیل را صحیح و پیش‌بینی شده می‌داند، به شورای بین‌المللی بهائیان که خود بوجود آورده بود ۳ وظیفه مهم را توصیه می‌کند. اولین وظیفه پس از تأسیس دولت اسرائیل، ایجاد حسن رابطه با آن دولت است: «اول آنکه با اولیاء حکومت اسرائیل ایجاد روابط نماید...». [۶] شوقی ربانی ایجاد رابطه را با دولت اسرائیل با ایجاد تشکیلات آتیه‌ی بهائیت مرتبط دانسته می‌نویسد که: «ثالثاً با اولیای کشوری در باب مسائل مربوط به احوال شخصیه ی داخل مذاکره شود و چون این شوری که نخستین مؤسسه ی بین‌المللی و اکنون در حال جنین است توسعه یابد، عهده دار وظایف دیگری خواهد شد و به مرور ایام به عنوان محکمه‌ی رسمی بهایی شناخته خواهد شد». [۷] شوقی ربانی برای اینکه محکمه‌ی رسمی بهائیت را مورد حمایت اسرائیل قرار دهد، شناخت و حقانیت دولت جدید التأسیس را اعلام کرد و ایجاد حسن رابطه را با این دولت توصیه می‌کند. وی همچنین طی نقشه ده ساله خود ضمن هدف بیست و چهارم، حمایت از دولت اسرائیل را به همه ی دولتهای جهانی ترجیح داده و به بهائیان توصیه می‌کند که در تأسیس شعب محافل روحانی و ملی بهایی بر حسب قوانین و مقررات حکومت اسرائیل، این گونه محافل را تأسیس کنند. [۸] . در باب پیوندهای میان بهائیت و صهیونیزم نظرات دیگری نیز وجود دارند که معتقدند پیوند این دو به سالهای سال قبل باز می گردد. روزنامه الاتحاد چاپ ابوظبی در ۲۹ بهمن ۱۳۵۴ در مقاله‌ای با عنوان «سایه‌ی صهیونیزم بر بهائیت» نوشته است: «پس از فوت بهاء در سال ۱۸۹۲ میلادی واقعه‌ی عجیبی رخ داد و آن از این قرار بود که صهیونیزم گروه‌هایی جهت خدمت و دعوت برای عباس افندی، فرزند بهاء و جانشین وی تشکیل داده و خزانه‌های خود را برای پشتیبانی از این فرقه گشودند. جهت توسعه و انتشار بهائیت در جهان، صهیونیزم با عباس افندی همکاری نموده و در مناطقی که اسلام بر آن تسلطی نداشت مانند ترکستان شوروی به تبلیغ بهائیت پرداخت و سپس آن را به شیکاگو و سانفرانسیسکو منتقل و گروه‌های صهیونیزم برای تأسیس سازمان (الاذکار بهایی) اعانه‌هایی جمع‌آوری نموده و محافل ماسونی را برای پیوند به این دیانت دعوت کردند. در سال ۱۸۹۹ پس از تشکیل کنفرانس صهیونیزم (بال) واقع در سوئیس، شرق شناسان یهودی علی‌الخصوص تومانسکی کتاب مقدس بهاءالله را منتشر نمود و در سومین کنفرانس تاریخ ادیان در آکسفورد آن را جزو مجموعه گزارش‌های این کنفرانس انتشار دادند. در سال ۱۹۰۹ «هیبولت و رینوس» یهودی کتابی در پاریس تحت عنوان «تاریخ و ارزشهای اجتماعی بهائیت» منتشر کرد. در زمانی که تبلیغ بهائیت در محافل غربی از روسیه تا آمریکا به اوج رسیده بود، برخی از زنان آمریکایی برای حج به کوه کرمل در فلسطین برای تبلیغ و به امید دیدار پیامبر جدید!! فارسی و نیل برکت وی و دست یابی به احکام هدایت کننده‌ای که بر وی نازل شده است عزیمت کردند. «گلد تسهیر» شرق شناس یهودی لهستانی، آنچه زنان مزبور درباره ی توسعه و انتشار بهائیت و شناسایی آن به عنوان مذهب پیشرو بعمل آوردند، ستایش نمود. پیشوایان مذهبی یهود برای مبعث پیامبر فارسی فتوا دادند و به تبلیغ برای او پرداختند و قرن نوزدهم را تاریخی برای ظهور وی و پاک نمودن شهر قدس از مسلمانان تعیین نمودند. بدین شیوه بابیها وارد مرحله ی جدیدی از تبلیغ گردیده و پیروان آن بر این عقیده‌اند که بهائیت فرقه‌ای از اسلام نمی‌باشد بلکه مذهبی جهانی می‌باشند که این مذهب از مرزهای عالم اسلام پا فراتر گذاشته و پیامبر عکا!! نیز پیروانی متعصب در آمریکا و اروپا یافته که آنان به نوبه خود برای ایجاد سازمانهای بهائیت در آمریکا کمک‌های فراوانی انجام داده و شهر شیکاگو را مرکز این دین انتخاب نمودند و دار مشرق الاذکار را در آنجا تأسیس و زمینهای زیادی با کمک یهودیان به دست آوردند.... همان طوری که «گلد تسهیر» اشاره می‌کند بهائیت با ظهور عباس افندی و استمداد از تورات و انجیل گامی به پیش نهاده و ادعا داشتند که در تورات و انجیل به ظهور

عباس افنـدی اشاره شده...» [۹] علاوه بر عکـا، شـهر حیفا نیز مرکز دیگر بهائیان بود، چنانچه «بیت‌العـدل» خود را در سال ۱۹۶۳ در حیفا تأسیس کردند. [۱۰] همچنین در دامنه‌ی کوه کرمل برای «باب» آرامگـاهی بنـا گردیـد که دارای محراب، گنبـد و ساختمان مجللی بود که ساختمـان آن در سال ۱۹۵۳ به پایان رسید. [۱۱] . گزارشـی از نمایندگی ایران در سال ۱۳۵۷ که برای وزارت امور خارجه ارسال داشته ضـمن شرح چهارمین کنفرانس بین‌المللی پیروان بهائیت که در حیفا برگزار شده آورده است که در بین هیأت نه نفره فعلی، دو نفر از بهائیان تبعه‌ی دولت ایران به نام آقایان فتـح اعظم و نخجوانی حضور دارنـد. در ادامه با اشاره به مساعدتهای زیـادی که حکومت اسرائیل به بهائی‌هـا می‌دهـد آورده است: «نسبت به پیروان این فرقه که در این کشور مقیم‌انـد جـانب ارفـاق و مـدارا را رعایت می‌کنـد و لوازم و وسائل و اتومبیل‌هایی که هیأت نه نفری مـذکور جهت نیازمندی‌های خود و آن مرکز (موسوم به دارالعدل) از خارج وارد می‌کند، همانند مزایای منظور شده جهت دیپلماتهای مقیم اسرائیل، از معافیت‌های گمرکی برخوردار است. [۱۲] . در ارتباط با روابط نماینـدگی ایران در فلسـطین با بهایی‌ها باید گفت که شوقی افندی طبق وصـیت عبدالبهاء که به وی گفته بود که تابعیت ایرانی خود را حفظ کند، سـعی داشت روابط خوبی با نمایندگی ایران داشته باشد، چنانچه در اعیادی مثل عید نوروز تلگراف تبریک به نمایندگی ایران در بیت‌المقدس ارسال می‌داشت و البته پاسخ آن را نیز دریافت می‌کرد. [۱۳] . شاه نیز به بهائیان کـه مرکز آنـان در اسـرائیل بـود و اسـرائیلی حـامی آنـان محسـوب می‌شـد اجـازه فعالیت‌هـای گسـترده‌ای داده بـود چنـانچه هویـدا نخست‌وزیر او بهایی و بهایی زاده بود و دربار شاه شاهد نفوذ روز افزون بهایی‌ها بود. پزشک مخصوص شاه و همچنین رئیس رادیو و تلویزیون بهایی بودنـد و از سوی دیگر بهائیانی چون هژبر یزدانی گروه‌های مافیایی قدرتمندی به وجود آورده بودند و با توسل به زور و شـیوه‌های غیر قانونی و اسـتفاده از نفوذ بهائی‌ها در دربار و دسـتگاه حاکم، قدرت اقتصادی بسیار قوی ایجاد کرده بودند که شرح برخی از این مسائل در کتاب انشـعاب در بهائیت نوشـته‌ی عباس رائین با ارائه اسناد و مدارک آمده است. حسین فردوست نیز نقل می‌کنـد که با تمام تـذکراتی که نسبت به نفوذ بهائی‌ها در دربار به شاه داده می‌شد، وی توجهی نمی‌کرد و یکبار نیز گفته بود که از جانب آنها هیچ خطری احساس نمی‌کند زیرا آن‌ها هیچ‌گاه به شاه خیانت نمی‌کنند.

پاورقی

[۱] انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، اسماعیل رائین، موسسه تحقیقی رائین، بی‌تا، صص ۸۴ـ ۷۵.

[۲] پس از آنکه بهایی‌ها به دیار عثمانی رفتند کم کم پیشوند «میرزا» به پسوند «افندی» شد.

[۳] عباس رائین در کتاب خود قطعاتی از آن را آورده است، ص ۸۷.

[۴] منبع پیشین، صص ۱۶۹.

[۵] منبع پیشین، صص ۱۶۹.

[۶] منبع پیشین، صص ۱۶۹.

[۷] منبع پیشین، صص ۱۷۰ـ ۱۶۹.

[۸] منبع پیشین، صص ۱۷۰.

[۹] گزارش شـماره ۱۲ـ ۲۵ / ۸ / ۵۹۶۲ مـورخ ۱۹ / ۱۲ / ۵۴ از وزیر خـارجه بـه مرتضـایی، تـل‌آویو، اسـناد ادارات مرکز، سـال ۱۳۵۳ـ۵۵، کارتن ۹، پرونده ۱۲ـ ۲۵.]

[۱۰] روزنامه ها آرتص مورخ۲ / ۱۰ / ۱۹۶۴ بایگانی وزارت امور خارجه، تل‌آویو، سال ۱۳۴۳، کارتن ۴، پرونده ۲۴.

[۱۱] روزنامه ها آرتص مورخ ۲ / ۱۰ / ۱۹۶۴ بایگانی وزارت امور خارجه، تل‌آویو، سال ۱۳۴۳، کارتن ۴، پرونده ۲۴.

[۱۲] گزارش شماره ۳۶۴ / ۳ـ ۱۶۲ مورخ ۷ / ۲ / ۲۵۳۷ از مرتضایی به وزارت خارجه، نمایندگی تل‌آویو، اسناد ادارات مرکز، سال

۱۳۵۶ـ۵۷، کارتن ۲، پرونده ۳ـ ۱۶۲.

[۱۳] تلگراف مورخ فروردین ۱۳۲۱ از حیفا (شوقی ربانی) به عبدالحسین اسفندیاری در بیت‌المقدس، نمایندگی فلسطین، سال ۲۹ـ۱۳۲۰، کارتن ۱، پرونده ۲۰۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و…

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و …

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹